

مطالعه گروه‌های مرجع زنان جوان شهر ایلام

ابوالفضل ذوالفقاری، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد
گلی صوفی زاد، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی*

چکیده

در این پژوهش به دنبال مطالعه گروه‌های مرجع زنان جوان شهر ایلام، به مطالعه موردی زنان جوان ۱۶-۲۹ ساله ساکن در این شهر پرداخته شده است. مسأله اصلی این پژوهش، شناخت گروه‌های مرجع و عوامل مؤثر در گزینش آنها توسط زنان است. برای پرداختن به این مسأله، تئوری گروه مرجع مرتن استفاده شده است. مطالعه میدانی زنان جوان شهر ایلام با رویکرد روش شناسانه کیفی و با استفاده از تکنیک مشاهده و مصاحبه عمیق انجام گرفته است. داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از طریق روش کد گذاری موضوعی دسته‌بندی و با توجه به بنیان‌های نظری پژوهش تفسیر شده است. دستاوردهای تجربی و نظری این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه ایلام، یک جامعه همگرا و درون گروهی است و زنان ایلامی تمایل زیادی به گزینش گروه‌های مرجع غیر عضویتی ندارند. ساختار اجتماعی بسته شهر ایلام و به تبع آن، تحرک اجتماعی پایین و نیز محلی گرایی در بین زنان طبقه خرده بورژوا، از مهمترین عوامل مؤثر در گزینش گروه‌های مرجع عضویتی و به ویژه خانواده است.

واژه‌های کلیدی: گروه مرجع، گروه مرجع غیر عضویتی، گروه مرجع منفی، ساختار اجتماعی بسته، مشروعیت پایگاهی، محلی گرایی

مقدمه

درآمد یا تربیت آنها ناشی نمی‌شود، بلکه تاحد زیادی به گروه‌های مرجع وابسته است. از طرف دیگر، همان‌طور که مرتن تأکید می‌کند، افراد خود به خود اقدام به گزینش گروه‌های مرجع نمی‌کنند؛ بلکه ساختارها از طریق نظام توقعات، انتظارات و وظایف عملاً افراد را به سمت گزینش گروه‌های مرجع سوق می‌دهند.

یکی از عوامل ساختاری مهم در بحث گروه مرجع، ساختار اجتماعی است که بسته به باز یا بسته بودن می‌تواند بستر مناسبی را برای گرایش یا عدم گرایش به گروه‌های عضویتی و غیر عضویتی و بومی و غیر بومی فراهم نماید و این متغیر تحت تأثیر عواملی، چون: نگرش‌های اقتدارطلبانه/دموکراتیک، نوع مجاورت با جوامع همجوار، میزان محرومیت در جامعه و اثر پذیری از فرهنگ‌های بیگانه و... قرار می‌گیرد. شهر ایلام به علت واقع شدن در معرض جنگ هشت ساله (که خود عوارض زیادی را در زمینه‌های مختلف ساختارهای اجتماعی، از قبیل: جمعیت، فقر و محرومیت، گسستگی خانواده‌ها و... ایجاد نموده است) مجاورت با کشور عراق که خود تحولات زیادی را پشت سر گذارده است، مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر که با سرعت و حجم زیاد در سال‌های اخیر رخ داده است، ساختار به شدت سنتی و بسته این شهر و نیز اثرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه توسط وسایل ارتباطی گوناگون، همچون ماهواره، اینترنت و... همانند سایر نقاط ایران می‌تواند محیطی بسیار مناسب برای مطالعه گروه‌های مرجع و نیز شناسایی تعارض در گرایش‌های گروه مرجعی باشد. گروه مرجع و گزینش این گروه در سنین نوجوانی و جوانی اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که این دوران از زندگی دوران جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت است.

بنابراین، براساس آنچه مطرح شد، ما می‌خواهیم بدانیم در درجه اول زنان جوان در حوزه‌های مختلف از حیث رفتاری و فکری (اعم از حوزه دین، خانواده، علم و...) از چه گروه‌هایی تأثیرپذیرند؟ دوم اینکه چه عوامل

گزینش گروه مرجع و گرایش به گروه‌های مرجع از موضوع‌های مهمی است که تحت عناوین مختلف مورد توجه متفکران و برنامه‌ریزان، قرار گرفته است. در حقیقت، ما همواره خودمان، اعمالمان، ظواهرمان، ارزش‌هایمان، آرزوهایمان و شیوه زندگی‌مان را ارزیابی می‌کنیم و در این ارزیابی به معیارهای یک گروه رجوع می‌کنیم. این گروه ممکن است گروهی باشد که در آن عضویت داریم، مانند خانواده یا گروه همسالان و نیز ممکن است گروهی باشد که عملاً عضو آن نباشیم. گروه‌های مرجع به جهت ارزش‌ها و هنجارهایی که به جامعه ارائه می‌کنند، در واقع الگوی رفتار برای افراد مختلف جامعه تلقی می‌شوند. بررسی گروه‌های مرجع به عنوان افراد و گروه‌هایی که مبنای مقایسه و ارزیابی رفتار و نگرش کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرند، از نیمه اول قرن بیستم در علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این گروه‌ها برای جوانان که دوران حساس جامعه‌پذیری خود را طی می‌کنند، مهمتر و تعیین‌کننده‌تر هستند. بر این اساس، در این پژوهش در پی اهدافی چون شناخت گروه‌های مرجع و ویژگی‌های آنها، شناخت تعارض در گرایش‌های گروه مرجعی زنان، نیز شناخت عوامل مؤثر بر گزینش گروه‌های مرجع توسط زنان هستیم. به تبع این اهداف پاسخگویی به سؤال‌هایی از این قبیل مد نظر است: گروه‌های مرجع زنان جوان چه کسانی هستند؟ این افراد چه ویژگی‌هایی دارند؟ آیا در گرایش‌های گروه مرجعی زنان تعارض وجود دارد؟ چه عوامل ساختاری در گزینش گروه مرجع توسط زنان مؤثرند؟

بیان مسأله

گروه مرجع یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری کنش و نگرش افراد جامعه است و نقش بسزایی در شکل دادن به هویت افراد دارد، جامعه‌شناسان معتقدند که جایگاه و موقعیت ذهنی و روانی افراد، مستقیماً از عواملی مانند

لئون فستینگر^۴ در مقاله‌ای که در سال ۱۹۵۴ به چاپ رساند، فرآیند تأثیرگذاری افکار در گروه‌های اجتماعی را به بحث گذاشت (پارسا، ۱۳۸۴: ۳۲). اگرچه هاینم صراحتاً به مفهوم گروه مرجع اشاره می‌کند و با نظریه پردازی به آن تفصیل می‌بخشد، ولی پیش از وی جامعه‌شناسانی چون مید و کولی و سامنر و دیگران به ابعاد مختلف موضوع اشاره داشته‌اند و در واقع، دغدغه‌های این دانشمندان زمینه‌های نظری را برای رشد مفهوم گروه مرجع فراهم کرد. مید از نظریه پردازان کنش متقابل اجتماعی است که در گروه رویکردهای خرد جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد. عامل یا کنشگر نقش اصلی را در این رویکرد دارد.

مید در ساخت «خود» به دو عامل I «من فردی» و me «من اجتماعی» اشاره می‌کند و هویت کنشگر را برآوردی از این دو عنصر می‌داند. از نظر مید، شخص برای ارزیابی خود، هنجارها یا ارزش‌هایی از دیگران مهم یا تعمیم یافته را درونی می‌کند و سپس با این توانایی شروع به ارزیابی از خودش می‌نماید (دوچ و کراوس، ۱۳۷۴: ۲۰۵).

چارلز هورتون کولی^۵ نوعی دریافت از خود را مطرح می‌کند که به وسیله نگرشی که از ذهن دیگری به سوی فرد می‌آید ایجاد می‌شود. یک خود اجتماعی از این نوع ممکن است خود انعکاسی یا خود آینه‌سان نامیده شود (داوسن و چاتمن، ۲۰۰۷: ۳-۴). کولی گروه‌های مرجع را به دو دسته نخستین و دومین تقسیم‌بندی می‌کند و معتقد است با اهمیت‌ترین گروه‌های مرجع را می‌توان در گروه‌های نخستین جستجو کرد؛ یعنی گروه‌هایی نظیر خانواده، همبازی و همسایگی که به عنوان گروه‌های عضویتی نقش بنیادی در شکل‌گیری ماهیت اجتماعی و آرمان‌های افراد دارند (پارسا، ۱۳۸۴: ۱۰). مطالعات سامنر در مورد درون گروه و برون گروه به عنوان یکی از

ساختاری در گزینش گروه‌های مرجع توسط زنان جوان مؤثرند؟ و سوم تعارضاتی که افراد در گرایش‌های گروه مرجعی خود با آن مواجه هستند، شناسایی شوند.

رویکردهای نظری

پایه‌های شکل‌گیری نظریه گروه مرجع در جامعه‌شناسی خرد و در روان‌شناسی اجتماعی بود. مفهوم گروه مرجع رسماً در روان‌شناسی اجتماعی نضج گرفت. این حوزه مقدماً به پاسخ‌های افراد به محیط اجتماعی بین شخصی و گسترده آنها تأکید دارد. در نتیجه، هنگامی که پژوهش‌های تجربی و جستارهای نظری مربوط به مسایل گروه مرجع مورد اهتمام قرار گرفت، عمدتاً بر مطالعه عوامل گزینش گروه مرجع توسط افراد و نتایج آن بر شخصیت متمرکز بود (مرتین، ۱۹۵۷: ۲۸۱).

مفهوم گروه مرجع، اولین بار در سال ۱۹۴۲ توسط هاینم^۱ به کار برده شد. وی در مقاله‌ای با عنوان روان‌شناسی منزلت، مفهوم «منزلت ذهنی» را به عنوان یک بعد از رفتار بشر معرفی و آن را به عنوان تصور فرد از موقعیت خود در مقایسه با سایرین تعریف کرده است. سینجر^۲ به تشابه و اثر آن بر انتخاب گروه مرجع تأکید کرد. شریف درباره تغییر نگرش و گروه‌های مرجع معتقد است: «تغییر نگرش به طور چشمگیر، وقتی فرد گروه‌های مرجعش را تغییر داد، ظاهر می‌شود و اگر برای شخص مشکل باشد که خودش را با ارزش‌ها و هنجارهای گروه خود مرتبط کند، تمایل تماس با دیگران (غیر گروه خود) پیدا می‌کند و گروه‌های مرجع غیررسمی پیدا می‌کند (واتسون، ۲۰۰۴: ۳). اولین تفصیلی که متوجه مفهوم گروه مرجع شد، شناسایی گروه‌های مرجع مثبت و منفی است که توسط نیوکامب^۳ در تحقیق خود در مورد دانشجویان به عمل آمد (مرتین، ۱۹۵۷: ۳۰۰).

¹ Hyman

² Singer

³ Newcamb

⁴ Leon Festinger

⁵ Charles Horton Cooley

دیگران نیز نظریاتی را در خصوص گروه مرجع ارائه کرده‌اند که مطرح کردن این نظریات از حوصله بحث خارج است .

رهیافت نظری تحقیق

پس از مرور نظریه‌های موجود در این زمینه، باید نظریه ویژه‌ای انتخاب شود که تحقیق براساس آن پیش رود. بنابراین، از آنجایی که نظریه مرتن در خصوص گروه مرجع در مقایسه با نظریات مید و کولی و سامنرو دیگران بسیار جامع‌تر بوده، به خوبی می‌تواند پرسش‌های اصلی این پژوهش را پوشش دهد، ما تئوری گروه مرجع مرتن را به عنوان رهیافت نظری این پژوهش انتخاب کرده‌ایم .

براساس نظریات مرتن، گروه مرجع گروهی است که ما معیارهای لازم را برای سنجش رفتارهای خود و دیگران از آن گروه کسب می‌کنیم؛ گروهی که فرد ارزش‌ها و معیارهای آنان را به منزله چهارچوب‌های مقایسه‌ای مرجع در فرآیندهای ارزشیابی و خودسنجی به کار می‌بندد (مرتن، ۱۹۵۷: ۲۸۳). مرتن دو نوع گروه مرجع را بر اساس کارکرد آنها معرفی می‌کند: گروه مرجع هنجاری^۹ معیارهایی را برای فرد استقرار و حفظ می‌کند و گروه مرجع مقایسه‌ای^{۱۰} که افراد از طریق آنها در جستجوی معیارهایی برای نکات مقایسه‌ای هستند. تقسیم‌بندی عضویتی و غیر عضویتی از سوی مرتن برای تبیین هرچه بهتر گروه مرجع انجام شده است. عضویت در گروه مفهومی است که مراتب و درجات مختلفی دارد و رتبه و درجه آن براساس میزان ارتباط و تعامل با سایر اعضای گروه مشخص می‌گردد (همان، ۲۹۷-۲۹۸). بر همین اساس جامعه‌شناسان عضویت در گروه را شامل چند نوع: عضویت واقعی^{۱۱}، عضویت اسمی^{۱۲} و عضویت

اساسی‌ترین پژوهش‌ها و مباحث نظری برای شکل‌گیری نظریه گروه مرجع تلقی می‌شود. سامنر واژه درون گروه و برون گروه را برای توصیف گونه‌های یکسان احساسات گروهی به کار می‌برد. درون گروه یا گروه خودی گروهی است که فرد خویشتن را از آن گروه وابسته به گروه بداند و برون گروه یا گروه غیر خودی گروهی است که فرد به آن احساس تعلق نکند (آشفته تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷).

مهمترین نظریه جامعه‌شناختی در خصوص گروه مرجع و کارکردهای آن «تئوری گروه مرجع»^۱ است که توسط رابرت کی مرتن^۲ سال ۱۹۳۹ تدوین شد و در کتاب تئوری و ساخت اجتماعی^۳ به چاپ رسید (سروستانی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۵۹). مرتن در تئوری گروه مرجع خود، انواع گروه مرجع که شامل عضویتی و غیر عضویتی، مثبت و منفی، هنجاری و مقایسه‌ای است، به خوبی تشریح کرده و همچنین عوامل ساختاری مؤثر در گزینش گروه‌های مرجع و نیز فرضیاتی در خصوص گزینش گروه‌های مرجع غیر عضویتی ارائه کرده است. نظریه گروه مرجع نظریه‌ای با برد متوسط^۴ است. این نظریه حاصل کار و تلاش رابرت مرتن در راستای تقویت و گسترش جامعه‌شناسی کارکردگرایی ساختی است. این نوع نظریه‌ها در عین حال که از مبانی نظری قوی‌ای برخوردارند، قابلیت آزمون تجربی را نیز دارند و به همین علت هم از محسنات نظریات کلان و هم نظریه‌های خرد برخوردارند.

نظریه پردازن دیگری چون بروس کوئن^۵، برنهارد شفرز^۶ داوسن و چاتمن^۷، تاموتسو شیبوتانی^۸ و دیگران

¹ Reference group theory

² Robert . K. Merton

³ Social theory and Social Structure

⁴ Middle range theory

⁵ Brous Coean

⁶ Berrnhard Shefers

⁷ E. Morel Dawson & Elfred . A. Chatman

⁸ Tamotsu Shibutani

⁹ Normative Reference Group

¹⁰ CmmperativeReference Group

¹¹ Actuale Membersheep

¹² Nominales Membersheep

رابطه مستمر و واقعی باعث می‌شود افراد گروه‌های مرجع مشابهی را برگزینند. در این حالت، آنچه اهمیت می‌یابد، این است که کدامیک از این گروه‌ها بیشترین تأثیر را بر جای می‌گذارند؟ و آیا گروه‌های عضویت بر غیر عضویت اولویت دارند؟

عوامل مؤثر در گزینش گروه‌های مرجع عوامل ساختاری

گزینش از بین گروه‌های مرجع عضویتی و غیر عضویتی، بومی و غیربومی، این گروه مرجع و آن گروه مرجع نیز تحت تعیین ساختارهای اجتماعی قرار دارد. ساختارهای اجتماعی که درجات متفاوتی از پرستیز و اقتدار را برای گروه‌ها تعیین می‌کند، تمایل دارد این گزینش را برای آنهایی که در جامعه به طرز متفاوتی استقرار یافته‌اند، الگومند نماید (مرتین، ۱۹۶۸: ۳۵۹).

ساختارهای اجتماعی مختلف بسترهای متفاوتی را برای نوآوری فراهم می‌کنند. برخی از ساختارها به شدت نسبت به نوآوری حساس هستند و برخی دیگر با گشاده‌رویی نوآوری را می‌پذیرند. تحمل نوآوری را به باز بودن و عدم تحمل آنها را بر بسته بودن ساختارهای اجتماعی تشبیه می‌کنیم (روسی، ۱۹۸۲: ۲۹۲). عوامل مؤثر در باز یا بسته بودن ساختار اجتماعی یک جامعه، وجود نگرش‌های اقتدار طلبانه و دمکراتیک در درون آن جامعه یا جوامع همجوار و نیز قدرت نیروهای حفظ کننده و تغییرزای جامعه هستند. شاخص باز یا بسته بودن ساختارهای اجتماعی، نرخ تحرک اجتماعی است. نظام‌های اجتماعی با نرخ نسبتاً بالای تحرک اجتماعی گرایش به انتخاب گروه‌های غیر عضویتی به عنوان گروه مرجع خود دارند (مرتین، ۱۹۶۸: ۳۵۹).

گرایش به گروه‌های مرجع عضویتی و غیر عضویتی می‌تواند تحت تأثیر پایگاه اجتماعی افراد باشد. هر پایگاهی در بستر نظام قشربندی خاصی، به گونه خاصی

حاشیه‌ای^۱ یا سطحی می‌دانند. به طور کلی، غیر عضو کسی است که با سایر اعضای گروه تعامل ندارد و نسبت به آن احساس عضویت نمی‌کند. غیر عضوها یا افرادی که خارج از گروه قرار دارند، انواع گوناگونی دارند: ممکن است رقیب گروه باشند، به تخریب گروه پردازند یا صرفاً خارج از مرزهای آن قرار گیرند (همان، ۲۸۸).

مرتین گروه مرجع مثبت و منفی را نیز مطرح کرده، معتقد است گروه مرجع مثبت، گروهی است که فرد تلاش می‌کند در رفتار و موضع‌گیری‌هایش مطابق برداشت و تصویری که از آن گروه دارد، رفتار نماید و خود را شبیه آنان سازد و گروه مرجع منفی، گروهی است که فرد تلاش می‌کند برخلاف آنچه از موضع‌گیری آنان و نگرش‌های اختصاصی آنان دارد رفتار نماید و نمی‌خواهد شبیه آنان باشد (انتظاری، ۱۳۸۶: ۴۴). تنوع در ارزش‌ها و هنجارها، گزینش گروه‌های مرجع متعددی را برای افراد پیش می‌آورد. در چنین شرایطی که چندین گروه مرجع همزمان مورد توجه فرد قرار گیرند، دو حالت ممکن است پیش بیاید: حالت اول این است که این گروه‌ها جهت‌گیری متضادی را القا می‌کنند و حالت دوم اینکه جهت‌گیری همدیگر را تأیید و تقویت می‌نمایند. در حالت اول که اعضای یک گروه در معرض تأثیرگذاری گروه‌های مرجع متعارض (اعم از عضویت یا غیر عضویت) قرار گیرند، این سؤال مطرح می‌شود که افراد در این شرایط چه نوع واکنش‌هایی نشان می‌دهند؟ و اینکه الگوهای واکنش به تقاضاها و فشارهای همزمان، اما نامحسوس گروه‌ها و منابع تأثیرگذار فردی چگونه خواهد بود؟ (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۶؛ به نقل از مرتین ۱۹۵۷). اما اگر گروه‌های مرجع افراد، جهت‌گیری‌های واحد یا مشابهی را القا کنند که مرتین از آن با عنوان گروه‌های مرجع هماهنگ یاد می‌کند، شرایط دیگری ایجاد می‌شود. به اعتقاد مرتین، تشابه منزلت و وضعیت اجتماعی و داشتن

^۱ PeripheralMembersheep

شخصیتی بیشتر در قالب اجتماعی کردن در تبیین گرایش به گروه‌های مرجع مفید است (انتظاری، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

فرضیات مرتن در تئوری گروه مرجع

- انتخاب گروه مرجع تابع توانایی گروه‌ها برای تأمین منزلت و پرستیژ اجتماعی، بر اساس ساختار نهادی جامعه، برای افراد است.

- اعضای ایزوله و حاشیه‌ای گروه، آمادگی بیشتری برای پذیرفتن ارزش‌های گروه‌های غیر عضویت و انتخاب آنها به عنوان گروه مرجع دارند.

- در نظام‌های اجتماعی باز که میزان تحرک اجتماعی نسبتاً بالاست، گرایش به انتخاب گروه‌های مرجع غیر عضویت بیشتر است.

- پایگاه اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی افراد بر انتخاب گروه مرجع توسط آنها تأثیر دارد.

با توجه به اینکه روش این پژوهش، روش کیفی است، نمی‌توان انتظار داشت که در انتهای مرور ادبیات نظری و بر مبنای مرور چهارچوب نظری به فرضیات برسیم. از طرف دیگر، نمی‌توان دست خالی به میدان رفت و با انبوه نامنظمی از داده‌ها مواجه شد. چهارچوب نظری در روش کیفی ما را به نوعی نگاه مجهز می‌کند که بدانیم در خلال کار تجربی به دنبال چه چیزی بگردیم. نظریه مرتن ابزار نظری ما برای رفتن به میدان است. از این نظریه یک سری محور و خطوط اصلی استخراج شده که در مصاحبه‌ها به دنبال آنها می‌گردیم. این محورهای اصلی عبارتند از:

- محرومیت نسبی (شما خودتون رو به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در چه سطحی می‌بینید؟ آیا در این مورد احساس محرومیت کردید؟)

- گروه‌های مرجع عضویت و غیر عضویت (تا حالا پیش اومده بخواید شبیه کسی باشید یا بخواید خودتون رو با کسی مقایسه کنید؟ چه کسی؟ چرا؟)

- گروه‌های مرجع چند گانه (شما می‌خواهید در زمینه‌های مختلف شغلی، تحصیلی، اخلاقی، دینی، روابط

عمل می‌کند. در جوامع و گروه‌های اجتماعی که تحرک میان طبقات زیادتر است، طمع دستیابی به جایگاه بالاتر فرد را وادار می‌کند تا به عضویت در گروه‌های دیگر و مرجعیت گروه‌های غیر عضویت بیندیشد (مرتین، ۱۹۶۸: ۳۵۹).

ناهماهنگی پایگاهی که به اختلاف میان رتبه‌بندی شخص در ایجاد پایگاهی مختلف نظیر تعلیم و تربیت، درآمد و حرفه معطوف می‌شود، به خودی خود موجب گرایش به گروه‌های مرجع غیر عضویتی برای کسب پایگاه جدید می‌شود (مرتین، ۱۹۶۸). مشروعیت پایگاهی^۱ اینکه فرد به آینده‌ای بهتر در همین پایگاه امیدوار باشد یا نه می‌تواند بر مشروعیت پایگاهی و در نتیجه گزینش گروه مرجع وی از جمله بومی و غیر بومی اثر بگذارد (مرتین، ۱۹۶۸: ۳۹۵). ثبات در محیط زندگی است که ممکن است بر نحوه گزینش گروه‌های مرجع، بخصوص بر امکان گرایش به گروه‌های مرجع غیر عضویتی مؤثر باشد. به این ترتیب، پیش‌بینی می‌شود افرادی که در همان کودکی و نوجوانی خود تغییرات کمتری را در محیط زندگی خود احساس کرده‌اند، کمتر از این جهت آسیب دیده‌اند و در شرایط یکسان گرایش کمتری برای عضویت در گروه‌های غیر عضویتی و انتخاب گروه‌های مرجع غیر بومی و غیر عضویتی دارند (انتظاری، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

عوامل فردی و شخصی

صرف نظر از عوامل ساختاری که موجب می‌شود شباهت‌هایی در گزینش گروه‌های مرجع صورت پذیرد، عوامل فردی و شخصی نیز وجود دارند که به نوبه خود موجب تفاوت و تنوع الگوهای گزینش در یک گروه اجتماعی می‌شوند (مرتین، ۱۹۶۸: ۲۹۷). آنچه در اینجا اهمیت دارد، نقش گروه‌های مرجع در شکل‌گیری شخصیت است و نه بالعکس و عوامل فردی و

^۱ Stutus Legitimacy

افراد، مستلزم درکی عمیق از زندگی افراد و نوع محرومیت‌ها، خواست‌ها و انگیزه‌های آنان است و روش کیفی امکان مطالعه عمیق این عوامل را هموار می‌سازد. مطالعه گروه مرجع مستلزم نگاهی غیر خطی و درک پیچیدگی‌هاست، روش کیفی هم روشی غیر خطی است (فلیک، ۲۰۰۴) و تمامی ابعاد را می‌توان از طریق این روش سنجید. مطالعه گروه‌های مرجع مستلزم درک همدلانه محقق با افراد مورد مطالعه است و از آنجا که روش کیفی محقق محور است و محقق در میدان مطالعه حاضر است، افراد مورد مطالعه در ارتباطی نزدیک مطالعه می‌شوند.

روش گردآوری داده‌ها

یکی از مهمترین تکنیک‌هایی که در اینجا برای مطالعه کیفی موضوع تحقیق استفاده می‌کنیم، تکنیک مصاحبه عمیق است. در روش کیفی، مصاحبه عمیق یکی از تکنیک‌های شناخته شده‌ای است که به هنگام جمع‌آوری داده‌ها به صورت فزاینده‌ای استفاده می‌شود. تکنیک مصاحبه در این پایان نامه تنها روش گردآوری داده‌ها نیست، بلکه سعی شده تا از روش مشاهده هم برای گردآوری داده‌ها استفاده کنیم. در تمام تحقیقات کیفی مشاهده به عنوان یک روش اصلی، اصولی و زیر بنایی و سرنوشت ساز به حساب می‌آید. پژوهشگر از طریق مشاهده، روابط بسیار پیچیده را در زمینه واقعی و اجتماعی کشف می‌کند؛ حتی در مصاحبه‌های جامع مشاهده می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. پژوهشگر به زبان اندام هم توجه دارد و این حرکات‌ها را یادداشت می‌کند، زیرا حرکات‌های مزبور مطالبی را به گفتار شخص می‌افزایند (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷: ۱۰۱). از آنجایی که ما به عنوان پژوهشگر در میدان خاص تحقیق حاضر هستیم، دیدگاه‌ها و ایده‌ها و الگوهای را از طریق مشاهده وضعیت خاص افراد مطالعه به دست می‌آوریم. مشاهده باعث ساماندهی و کمک به الگو یابی و تفسیر دقیقتر

اجتماعی، سرگرمی و مصرف و ... شبیه چه کسانی باشید؟)

- گروه‌های مرجع منفی (شما می‌خواهید شبیه چه کسانی نباشید؟)

- عوامل ساختاری مؤثر در گزینش گروه‌های مرجع (باز یا بسته بودن ساختاری، پایگاه اجتماعی، ناهماهنگی پایگاهی، مشروعیت پایگاهی، ثبات در محیط زندگی، همجواری جغرافیایی). (خودتان را از چه طبقه‌ای می‌دانید؟ سعی کرده‌اید طبقه خود را تغییر دهید؟

- آیا درآمد شما با شغل شما یا سرپرست خانوار متناسب است؟ آیا منزل، مدرسه و یا محله شما تغییر کرده است؟)

- پیامدهای گزینش گروه‌های مرجع (زندگی شما قبل از آشنایی با این افراد چه تغییری کرده است؟)

- تضاد در گرایش به گروه‌های مرجع (آیا پیش آمده همزمان خود را با چندین شخص در چندین زمینه مختلف مقایسه کنید؟ این شرایط شما را دچار مشکل نکرده است؟ واکنش شما چه بوده است؟)

روش تحقیق

روشی که در این پژوهش از آن استفاده شده است، روش تحقیق کیفی است و این برخاسته از الزاماتی است که نوع پژوهش و سؤال و نظریه مورد استفاده، به وجود آورده است. پژوهش کیفی^۱ ادعای توصیف زیست-جهان‌ها، از دیدگاه مردم شرکت‌کننده در آن را دارد. برای انجام این مهم، برای فهم بهتر واقعیت‌های اجتماعی و توجه به فرایندها، الگوهای معنایی و مشخصه‌های ساختاری، باید در آن شرکت جست (فلیک^۱، ۲۰۰۴: ۳).

بر این اساس، روشی که در این پژوهش استفاده شده، روش کیفی است و این برخاسته از الزاماتی است که نوع پژوهش، سؤال‌ها و نظریه مورد استفاده به وجود آورده است. مطالعه گروه‌های مرجع و الگوهای شخصی

¹ Qualitative research

² Flike

مصاحبه‌ها می‌شود.

نمونه‌گیری

در کل، نمونه‌گیری در اینجا بر اساس دیدگاهی نظری است که در پژوهش استفاده کرده‌ایم. پس برای انجام این تحقیق از نمونه‌گیری‌های تصادفی که در روش‌های کمی مرسوم است، استفاده نمی‌کنیم، بلکه نمونه‌گیری «هدفمند» است. برای توقف نمونه‌گیری نیز، معیار اشباع را در نظر گرفته‌ایم؛ یعنی هنگامی که احساس شد اطلاعات مورد نیاز را برای سنجش نظریه به دست آورده‌ایم، کار گردآوری اطلاعات را متوقف کرده‌ایم (فلیک، ۱۳۸۷:۱۳۸). اشباع^۱ خصوصیتی است که ارتباط نزدیک با حجم نمونه دارد. استرابت و کارپنتر (۱۹۹۹) می‌نویسند: اشباع عبارت است از اینکه با ادامه جمع‌آوری داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده تکرار داده‌های قبلی باشد، اطلاعات جدیدی حاصل نگردد. بنابراین، بر خلاف تحقیقات کمی که به تعیین حجم نمونه از طریق محاسبات آماری اهمیت داده می‌شود، در تحقیقات کیفی تکرار اطلاعات قبلی و یا به قول بک^۲ (۱۹۹۲) تکرار تم‌ها^۳ یا نکات برجسته، نشانه کفایت حجم نمونه است (حاج باقری، ۱۳۸۶:۳۶). در پژوهش حاضر نیز محقق کاملاً از به اشباع رسیدن داده‌ها اطمینان حاصل کرده، انجام مصاحبه با نفر بیست و هشتم مصاحبه تقریباً تکراری بود. با توجه به اینکه ما انتظار تنوع‌ها را در بین گروه‌های سنی و طبقات اجتماعی داشتیم، در این پژوهش سعی کرده‌ایم تا نمونه‌ها شامل همه گروه‌های سنی و شامل افراد متعلق به همه طبقات اجتماعی در شهر ایلام باشند.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری موضوعی استفاده شده است. این روش بر اساس اثر اشتراوس (۱۹۸۷) و برای مطالعات تطبیقی که گروه‌های مطالعه‌ای که از

¹ Saturation

² Beck

³ Theme

سؤال‌های تحقیق نشأت گرفته‌اند و در نتیجه به طور پیشینی تعریف شده‌اند (به نقل از فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۱)، استفاده کرده‌ایم. در اینجا موضوع تحقیق ما توزیع دیدگاه‌های مختلف در مورد گروه‌های مرجع در شهر ایلام است. پیش فرض روش‌شناسی در اینجا این است که گروه‌ها (در این تحقیق گروه‌های سنی، طبقات اجتماعی و ...) دارای دیدگاه‌ها و نوع رفتارهای مختلفی است و این موضوع و اختلاف دیدگاه حتی در درون گروه‌ها مثلاً در میان دختران یک طبقه اقتصادی و اجتماعی شهر ایلام نیز ممکن است به صورت‌های متفاوتی وجود داشته باشد. این روش تحلیل با روش نمونه‌گیری که در آن حداکثر دامنه تغییرات گنجانده شده است تا تمامی انواع - گروه‌های ممکن را در بر بگیرد، متناسب است. همچنین، ما برای تحلیل داده‌ها از روش تفسیری نیز استفاده کرده‌ایم؛ بدین معنا که در فرآیند تحلیل داده‌ها و پس از مشخص شدن الگوهای مختلف و مقایسه بین آنها، دست به تفسیر این تفاوت‌ها و انواع مختلف الگویی و انتخاب گروه‌های مرجع در بین زنان شهر ایلام زده‌ایم. تفسیر نیز نه به صورت دلخواهی، بلکه متأثر از بنیان نظری پایان نامه بوده است.

یافته‌های پژوهش

توصیف بافت فرهنگی - اجتماعی شهر ایلام

استان ایلام یکی از استان‌های مرزی ایران است که در همسایگی کشور عراق قرار دارد. این استان جمعیتی حدود ۴۴۰۶۹۳ نفر را در خود جای داده است که از این تعداد ۲۰۹۸۹۳ نفر را جمعیت جوان کل استان تشکیل می‌دهند که به ترتیب ۱۰۵۷۷۴ نفر مرد و ۱۰۴۱۱۹ نفر زن هستند. بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جمعیت جوان درصد بالایی از جمعیت استان را به خود اختصاص داده‌اند که در حدود نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند. با توسعه شهرنشینی در چند دهه اخیر و افزایش مهاجرت، به ویژه مهاجرت‌های اجباری و ناخواسته از مناطق عشایری - روستایی به شهرها نوعی

سواد خوبی در حد متوسط لیسانس برخوردارند. از لحاظ ارتباطی از سطح ارتباطی متوسطی برخوردارند؛ به این معنا که کمترین استفاده را از اینترنت می‌برد و یا اصلاً از آن استفاده نمی‌کنند، میزان مطالعه آنها پایین است و در نهایت تلویزیون تنها رسانه‌ای است که بیشترین استفاده را در میان این قشر دارد. از لحاظ روابط اجتماعی نیز برخلاف تعدادی از آنها دارای نظام بسته هستند و از شرایط زندگی خود و عدم آزادی‌های فردی ناراحت هستند.

قشر متوسط: این دسته معمولاً از قشر شهری شهر ایلام و دارای تحصیلات بالا هستند و شغل آنها بیشتر کارمندی و یا شغل آزاد بازاری است. در میان این قشر نیز ما هم افرادی را داریم که از لحاظ ارتباطی در سطح پایین و متوسطی هستند و هم افرادی که داری سطح بالایی از ارتباطات هستند.

قشر ثروتمند: این افراد که عمدتاً دارای تحصیلات متوسط لیسانس هستند، تعداد کمی از مصاحبه شونده‌ها را شامل می‌شوند. این گروه از لحاظ الگوهای رفتاری خود به افراد طبقه بالا تمایل زیادی دارند. از لحاظ ارتباطات فرق زیادی با قشر متوسط ندارند و از لحاظ ارتباطات در سطح متوسط و گاهی بالا قرار دارند. همان‌طور که در مورد قشر متوسط عنوان کردیم، در مورد این قشر نیز معمولاً استفاده از ماهواره پایین است، ولی استفاده از اینترنت تقریباً رایج است. ویژگی عمده‌ای که این گروه را متمایز می‌کند، استفاده تقریباً برابر از رسانه‌های مختلف است. در مورد سطح روابط اجتماعی این گروه در بیشتر موارد دارای سطح روابط باز هستند و می‌توانند برای وضعیت‌های مختلف زندگی خود تصمیم مستقل بگیرند و از خانواده و دوستان تقریباً مستقل هستند و علایق آنها مستقل است.

رضایت از زندگی

بسیاری از زنان شاغل نیستند و خانه‌دار هستند. آنهایی

انبوهی و تراکم جمعیت در شهرهای استان به ویژه شهرستان ایلام به وجود آورده است. بالتبع نتایج چنین وضعیتی، رشد بی‌رویه جمعیت و توسعه کنترل نشده شهرنشینی، تقابیل فرهنگی بین فرهنگ سنتی ایلیاتی از یک سو و فرهنگ شهری مدرن از سوی دیگر و نهایتاً ناهمگون شدن ارزش‌ها و تنوع گروه‌ها و تغییر کاراکترهای جامعه است. ارزش‌های سنتی فرهنگ جامعه ایلیاتی، نظیر مرد سالاری، زنان، خصوصاً زنان مهاجر را در معرض فشارهای اجتماعی قرار می‌دهند که ناشی از افزایش آگاهی زنان در محیط شهری و از طرف دیگر، تحمیل محدودیت‌های اجتماعی از سوی جامعه‌ای است که بافت قومی قبیل‌های در آن حاکم است. از عوارض دیگر چنین مهاجرت‌های اجباری و اسکان در شهرها، به وجود آمدن شکاف و افزایش تضاد بین نسل قدیم و جدید است. در چنین شرایطی، یکی از دغدغه‌های اصلی زنان جوان، مسأله هویت‌یابی است که آنان را به سمت گزینش گروه‌های مرجع سوق می‌دهد که گاه با هم در تعارضند.

تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌ها و اطلاعاتی که در میدان تحقیق و از طریق مصاحبه شفاهی و عمیق با زنان جوان شهرستان ایلام به دست آمده، تحلیل شده است.

در این تحقیق، با ۲۸ نفر از زنان جوان در رابطه با الگوهای فردی و گروهی آنها در حوزه‌های مختلف زندگی‌شان مصاحبه عمیق انجام شده است و تحلیل این مصاحبه‌ها به طور خلاصه در قالب مقولات زیر مطرح شده‌اند.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی مصاحبه شونده‌ها

قشر فقیر: تعدادی از این مصاحبه شونده‌ها متأهل هستند، اما درآمد ماهیانه آنها کمتر از پانصد هزار تومان است، اما آنها با وجود شرایط فقر نسبی اقتصادی، معمولاً از سطح

دیگران، تفکرات قبيله ای و غیره مشکلاتی است که پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند.

تعداد زیادی از پاسخگویان که وضعیت زندگی در ایلام را خوب نمی‌دانند، شهرهای دیگری را برای زندگی ترجیح می‌دهند و معتقدند که این شهرها از لحاظ فرهنگی و فضای اجتماعی و فرصت‌های مختلف شغلی و غیره از ایلام بهتر است: شهرهای تهران، اصفهان، سنندج و شهرهای شمال کشور به عنوان جایگزین ایلام در بین پاسخگویان انتخاب شده است.

در میان مصاحبه‌های انجام شده، موردی که گرایش به گروه‌های مرجع غیر بومی خارج کشور را نشان دهد، مشاهده نشد. آنان که عموماً با عراق آشنایی داشتند، ایران را پیشرفته‌تر از کشور عراق دانسته و از لحاظ امکانات رفاهی و بهداشتی ایران را ترجیح داده‌اند. پاسخگویان همچنین عدم امنیت سیاسی را در عراق و نیز محدودیت‌ها و مشکلات زنان در این کشور را از دیگر دلایلی عنوان کرده‌اند که نمی‌خواهند در چنین جایی زندگی کنند.

در این پژوهش زنان ایلامی از محدودیت‌های مختلف اجتماعی برای پوشش دختران، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان، عدم امکان رفت و آمد آزاد زنان و نبود امکانات تفریحی برای زنان صحبت کرده‌اند.

گروه‌های مرجع زنان ایلامی

در بین افراد زنان مورد مصاحبه ما چهار نوع الگوی شخصیتی دقیق، نسبتاً دقیق، مبهم و فاقد الگوی شخصیتی را پیدا کردیم، که در هر کدام از این موارد، فرد یا به فرد خاصی به عنوان الگو اشاره کرده است (دقیق)، یا به افرادی متفاوت (نسبتاً دقیق و یا به صورت کلی افراد با یک خصوصیت (مبهم) را به عنوان الگوی خود مطرح کرده‌اند و افرادی نیز بودند که خود را از همه بالاتر می‌دانستند و فاقد یک الگوی شخصیتی بودند، اما در کل در رابطه با این موضوع نیز ما می‌توانیم بگوییم که نوعی در هم آمیختگی بین انواع شیوه‌های الگوگیری

هم که شاغل هستند، نسبت به وضعیت شغلی خود و درآمد شغلیشان ناراضی هستند.

زنان ایلامی از لحاظ اشتغال و درآمد دارای استقلال چندانی نیستند و معمولاً درآمد خانواده خود را که بیشتر درآمد پدر و یا شوهر آنهاست، ارزیابی می‌کنند. میزان رضایت از درآمد خود یا خانواده‌شان هم وابسته به مقایسه‌ای است که با اطرافیان خود می‌کنند. بعضی از افراد با این که درآمد چندانی ندارند، اما در مقایسه با دیگران راضی هستند و بعضی از افراد نیز با اینکه درآمد دارند، اما خود را نسبت به دیگران پایین‌تر می‌دانند. لذا در این بحث نوع محرومیت همبستگی چندانی با میزان درآمد ندارد، بلکه به مقایسه‌ای بستگی دارد که در آن فرد خود را با دیگران مقایسه می‌کند.

در مورد رضایت از طبقه اجتماعی باید گفت که بیشتر افراد پاسخگو در طبقه پایین و متوسط و یا متوسط رو به بالا هستند. افرادی که از طبقه بالا باشند، در نمونه دیده نشد. با توجه به شرایط حاشیه‌ای بودن و خدماتی بودن شهر ایلام این موضوع منطقی به نظر می‌رسد، اما به لحاظ احساس رضایت بسیاری از پاسخگویان دارای میزانی از نارضایتی از وضعیت اقتصادی خود بودند و در پی آن بودند که خود را بالا بکشند و این امکان را برای الگویابی این افراد از طبقات بالاتر فراهم می‌کند.

شکاف نسلی از مهمترین مشکلاتی است که در ایلام وجود دارد. بر این اساس، پاسخگویان از تفاوتی که با والدین خود دارند و این که والدینشان نمی‌توانند آنها را درک کنند، صحبت می‌کنند. در ایلام به نظر می‌رسد که فقط در موارد معدودی این شکاف به عنوان یک نوع اختلاف خود را بروز می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از پاسخگویان به نوعی با خواسته‌ها و آداب و رسوم و سنن خانوادگی خود را تطبیق می‌دهند.

تعدادی از پاسخگویان عنوان کرده‌اند که از لحاظ فرهنگی ایلام در سطح پایینی قرار دارد و آنها نمی‌توانند به راحتی در این شهر زندگی کنند. مشکلاتی از قبیل تفکرات سنتی در مورد کار و شغل، دخالت در کار

ذکر می‌کنند.

در مورد الگوهای تحصیلی افراد گروه‌های مرجع که الگوها از درون آنها انتخاب می‌شود، چندان مشخص نیست. مهمترین گروه مشخص همان خانواده است که بیشتر مصاحبه شوندگان الگوی تحصیلی خود را از افراد خانواده خود انتخاب کرده‌اند. همچنین، فامیل‌های دور و دوستان و اساتید نیز به عنوان الگوی تحصیلی انتخاب شده‌اند. در نهایت، بیشتر الگوهای تحصیلی به درون شهر ایلام بر می‌گردد و معمولاً از بین کسانی انتخاب می‌شود که رابطه‌ای نزدیک با فرد دارند و تقریباً ما موردی نداشتیم که فرد معروفی به عنوان الگو در این زمینه معرفی شود.

در نمونه‌های الگوگیری در زمینه روابط اجتماعی گرایش زیادی به گروه‌های بیرون از خانه و خانواده وجود دارد. فامیل‌های دور مانند داماد و پسرعمو و غیره اهمیت پیدا می‌کنند و همچنین، گروه‌های دوستان نقش زیادی دارند. مجری‌ها و بازیگران تلویزیونی و سینمایی نیز به عنوان الگوی روابط اجتماعی انتخاب می‌شوند. اما نکته مهم این است که زنان ایلامی به علت شرایط نسبتاً بسته‌ای که دارند، تمایل دارند که زنان باز و اجتماعی را الگوی خود قرار دهند؛ به این معنا که بسته بودن و نداشتن روابط اجتماعی فعال به عنوان یک ارزش در بین زنان وجود ندارد و در عوض، داشتن روابط اجتماعی باز و فعال به یک ارزش تبدیل شده است که در مواردی نیز مردان که دارای استقلال بیشتری هستند، به عنوان الگوی رفتاری در زمینه روابط اجتماعی انتخاب شده است.

در مورد بخش سرگرمی و مد، افراد براساس عرف جامعه و آداب و سنن در این رابطه رفتار می‌کنند. از آنجایی که آداب و سنن و خانواده تعداد معدودی از سرگرمی‌ها و انواع محدودی از لباس‌ها را برای زنان مجاز می‌داند، بنابراین زنان از انتخاب زیادی برخوردار نیستند. در این شرایط داشتن الگو اهمیت چندانی ندارد، زیرا فرد با انتخاب یک الگو هم خیلی نمی‌تواند نوع

شخصیتی وجود دارد و افراد کمتر متمایل به تعیین یک شخص به عنوان الگوی شخصیتی نهایی خود هستند و همچنین، همان طور که اشاره شد، این نوع الگوها و تیپ‌های ایده‌آل برای زنان بیشتر مقطعی است و پس از مدتی این الگوها عوض می‌شوند.

تعداد زیادی از زنان پاسخگو الگوی اخلاقی خود را از درون خانواده خود انتخاب می‌کنند. این موضوع نشان‌دهنده نوعی همبستگی قوی بین زنان و خانواده‌های آنها است. همان طور که در بخش نظری تشریح شد، خانواده یکی از اولین و اصلی‌ترین منابع الگویی افراد است، اما با افزایش سن ما شاهد آن هستیم که گروه‌های همسالان و گروه‌های دوستان جای آنها را می‌گیرند، ولی به نظر می‌رسد در مورد مسائل اخلاقی و در اینجا برای زنان این موضوع صادق نیست و در بسیاری از موارد برای زنان پدر و مادر همچنان به عنوان الگوی اول اخلاقی این زنان مهم هستند. در واقع، عمده الگوها از گروه‌هایی انتخاب می‌شود که فرد درون آنها عضویت دارد و افرادی انتخاب می‌شوند که از نزدیک شناخته شده هستند و فرد تا حدود زیادی با اخلاق آنها آشنایی دارد.

در مورد الگوی دینی پاسخگویان اعلام کرده‌اند که افرادی خاص را از درون خانواده خود به عنوان الگو انتخاب کرده‌اند. خانواده نقشی اصلی در نهادینه کردن معرف دینی در بین افراد دارد و معمولاً هرفردی به صورت سنتی دین و مذهب پدر و مادر خود و یا در واقع خانواده خود را به ارث می‌برد. در این مورد نیز پاسخگویان زن ایلامی تقریباً در بیشتر موارد اعلام کرده‌اند که پدر، مادر و یا برادر و خواهر خود را به عنوان الگوی دینی خود در نظر گرفته‌اند و از آنها به عنوان افراد با ایمان و دیندار یاد می‌کنند. دوستان نیز یکی از منابع الگوی زنان ایلامی است. البته، پس از خانواده این منبع الگو در درجه دوم قرار دارد و معمولاً افراد وقتی از دوستانشان به عنوان الگوی دینی یاد می‌کنند، فردی از خانواده خود را هم به عنوان الگوی دینی‌شان

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تحقیق در مورد گروه‌های مرجع زنان جوان شهر ایلام است. بر این اساس، با استفاده از روش کیفی و مصاحبه عمیق با ۲۸ نفر از زنان شهر ایلام مصاحبه عمیق انجام گرفته است که داده‌ها و اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش کدگذاری موضوعی تحلیل شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که جامعه ایلام جامعه‌ای همگرا و درون‌گروهی است و زنان ایلامی تمایل زیادی به گزینش گروه‌های مرجع عضویتی و به ویژه خانواده دارند و متمایل به گروه‌های غیر عضویتی متمایل هستند.

بنابراین، بر اساس آنچه تاکنون مشاهده کردیم، می‌توان چنین نتیجه گرفت در میان مفاهیمی که مرتن در ارتباط با گزینش گروه مرجع مطرح کرده است، مفهوم ساختار اجتماعی بسته به خوبی می‌تواند تمایل افراد را به گزینش گروه‌های مرجع عضویتی در این پژوهش تبیین کند. مرتن معتقد است: «در ساختارهای اجتماعی بسته که تحمل نوآوری کم است و به تبع آن تحرک اجتماعی نیز پایین است، پیوستن به گروه‌های مرجع غیر عضویتی و بیگانه به سختی و با صعوبت انجام می‌گیرد» (مرتن، ۱۹۶۸: ۳۵۶). استرن و کلر نیز در پژوهش خود با عنوان «گروه‌های مرجع ناخود آگاه در فرانسه» به چنین نتایجی دست یافته‌اند. آنان پی بردند که در جامعه فرانسه، به جهت تحرک اجتماعی پایین گرایش افراد به گروه‌های مرجع بیگانه بسیار کم است و تعلق خاطر آنان بیشتر به گروه‌های عضویتی است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۸۱).

با اینکه جامعه ایلام جامعه‌ای در حال گذار است و بر اساس یافته‌های پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، شکاف نسلی عمیقی در این جامعه وجود دارد، اما در طول مصاحبه‌ها کمتر این مورد به چشم می‌خورد و بیشتر نوعی انطباق نسل جدید با نسل پیشین مشهود است. از طرف دیگر، ما در طی تحلیل داده‌ها به کرات

پوشش خود را برای مثال تغییر دهد. به همین علت، در این زمینه خانواده نقشی اساسی بازی می‌کند و در بسیاری از موارد که پاسخگو عنوان کرده است که خود او نوع پوشش و سرگرمی خود را انتخاب می‌کند، به ناچار به نوعی به خانواده ارجاع داده است و از خانواده خود الگو گرفته است.

تأثیرپذیری از الگوهای انتخاب شده

در مورد تأثیر گذاری افراد و گروه‌های مرجع باید گفت که الگوهای انتخاب شده در بین زنان ایلامی معمولاً از نزدیکان و دوستان فرد پاسخگو بوده‌اند. این الگوها معمولاً دارای تأثیرات زیادی بر افراد بوده‌اند. اگر چه در مواردی فرد احساس کرده است که توانایی لازم را برای رسیدن به وضعیت مشابه فرد الگوش را ندارد، اما در نهایت تأثیرات مثبتی را از الگوش گرفته است. در مواردی نیز پاسخگویان تأثیرات افراد الگو را مقطعی و موقت دانسته‌اند. لذا با تغییر فرد الگو بر اساس تغییر موقعیت‌های مختلف فرد در اجتماع تأثیرات این الگوها هم محدود به مقطع‌های خاصی است.

در مورد انتخاب گروه‌های مرجع متعارض؛ تعارضات ارزشی با انتخاب الگوهای متفاوت برای بسیاری از زنان مورد مصاحبه پیش آمده است. این تعارضات از سه منبع مهم تغذیه می‌شوند: اولی تعارض بین سنت و مدرنیته است که طی آن فرد بین انتخاب گزینه‌های سنتی و یا مدرن از بین الگوها دچار تعارض می‌شود. دومین حوزه تعارض بین انتخاب الگو از درون خانواده و انتخاب الگو از بیرون از خانواده است. سومین حوزه تغذیه این تعارضات، تن دادن به قناعت و یا زیاده‌روی است. به نظر می‌رسد که افراد با توجه به آموزه‌های سنتی و اجتماعی، زیاده‌خواهی‌های اقتصادی و اجتماعی را در تناقض با قناعتی می‌دانند که در آنها درونی شده است. تعدادی از افراد معتقدند که این تعارضات را با ایجاد یک شخصیت قوی حل کرده‌اند.

بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد (پولانزاس، به نقل از ریتزر، ۱۳۷۷: ۲۲۷). طبقه خرده بورژوازی سه طبقه موجود در تحقیق ما را شامل می‌شود. در واقع، ما در بین نمونه‌ها در هر سه دسته‌بندی طبقاتی که ذکر شد، دارای چندین تفاوت و اختلافی نیستیم و می‌توانیم هر سه دسته طبقاتی را تحت عنوان خرده بورژوازی دسته‌بندی کنیم. براساس خصوصیات طبقه خرده بورژوای ایلامی، زنان ایلامی به خانواده و مردها چه پدر یا شوهر وابسته هستند. آنها اراده چندانی از خود ندارند و در بسیاری از موارد، اراده مردانه و یا اراده خانواده، اراده زن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زن مجبور است که از مرد تبعیت کند. زنان ایلامی به علت احتیاج به حمایت مالی و عاطفی و غیره به خانواده خود وابسته‌اند. آنها از یک طرف در آرزوی ثروت و تحصیلات و فضای باز اجتماعی هستند و از طرف دیگر وابستگی خود را به خانواده محکم‌تر می‌کنند و در بیشتر موارد دسترسی به این آرزوها را از طریق خانواده ممکن می‌دانند. همچنین، طبقه خرده بورژوای ایلامی آرزوهای خود را از طبقات بالاتر می‌گیرد و بر این اساس، به دنبال این است تا مانند آنها رفتار کند. همان‌طور که شاهد بودیم، زنان ایلامی از زندگی در ایلام ناراضی نبودند و در بسیاری از موارد شهرهای بزرگتر را برای زندگی ترجیح می‌دادند، اما در برابر این تمایلات درونی امر دیگری قرار دارد که مفهوم دوم ماست و از آن به عنوان «قناعت و محلی‌گرایی» یاد می‌کنیم. از یک طرف زن ایلامی خرده بورژوا به آزادی، فضای باز اجتماعی، ثروت بیشتر، اعتماد به نفس و خیلی چیزهای دیگر تمایل دارد که خود ندارد و از طرفی دیگر و در تناقضی ارزشی با آن، خانواده را ترجیح می‌دهد و به عنوان الگوی رفتاری خود معرفی می‌کند. در بسیاری از موارد «قناعت و محلی‌گرایی» است که این امر را امکان‌پذیر می‌کند. زن ایلامی با وجود داشتن آرزوها و بلند پروازی‌هایی که از طبقات بالاتر می‌گیرد، اما در خود احساسی درونی دارد که وی را به قناعت دعوت

شاهد ابراز نارضایتی‌های زنان در زمینه‌های مختلف بودیم، از جمله نارضایتی در زمینه‌های فضای بسته خانواده‌ها، فضای اجتماعی بسته شهر ایلام (تفکرات سنتی و قبیله‌ای، محدودیت اجتماعی زنان، از جمله در زمینه پوشش، نبود امکانات تفریحی و آموزشی مناسب) و نارضایتی زنان از وضعیت شغلی و طبقاتی. بر این اساس، انتظار می‌رفت که زنان جوان مورد مصاحبه تا حدی گرایش خود را به گروه‌های مرجع غیر عضویتی و غیر محلی نشان دهند، اما این‌گونه نبود و باز هم این افراد گروه‌های مرجع عضویتی و به ویژه خانواده را بر می‌گزینند. بنابراین، مفهوم دیگری لازم است تا این وضعیت خاص را در بین افراد نمونه تبیین کند. با تحلیل مصاحبه‌ها ما توانستیم به مفاهیمی دست پیدا کنیم که می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده گرایش گروه‌های مرجع عضویتی و به ویژه خانواده در میان مصاحبه‌شوندگان باشند. این مفاهیم عبارتند از: «محلی‌گرایی» و «طبقه خرده بورژوازی»

محلی‌گرایی در بین زنان طبقه خرده بورژوازی

در این پژوهش ما با مرور نظریه‌های مختلف در زمینه گروه‌های مرجع آغاز کردیم و در مراحل بعدی وارد میدان تحقیق شده، به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و تحلیل آنها پرداختیم و نتایج آن را ارائه کردیم. در این قسمت سعی می‌کنیم تا دوباره از بخش میدانی و تحلیل و نتایج به نظریه برگردیم و برای این کار با ارجاع به نتایج تحقیق دو مفهوم را معرفی می‌کنیم که می‌تواند در تحلیل گروه‌های مرجع در شهر ایلام و بخصوص در بین زنان راه‌گشا باشد:

مفهوم اول «طبقه خرده بورژوازی» است. از خصوصیات این طبقه این است که دارای مالکیت محدود است و از لحاظ هویتی نه به طبقه کارگر شباهتی ندارد و نه با طبقه سرمایه‌دار. از لحاظ اجتماعی این طبقه محافظه کار است و در بسیاری از موارد مسائل سنتی را

غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
کوئن، بروس. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه:
غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
مورتون، دوچ و رابرت. م کراوس. (۱۳۷۴). *نظریه‌های
روان‌شناسی اجتماعی*، مرتضی کتبی، تهران:
دانشگاه تهران.

هاشمی، سید ضیاء. (۸۳-۱۳۸۲). *بررسی گروه‌های
مرجع جوانان شهر تهران*، رساله دکتری، دانشکده
علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

Rossi, Ino. (1989) *Sociology in Disaster
Research and Sociological Theory*, in:
Kreps, Gary A. (1989), *Social Structure
and Disaster*, University of Delaware
Press, London and Toronto.

Merton, R. (1957) *Social Theory and Social
Structure*, Newyork: Glencoe, Free Press.

Dawson, E & Chatman, E. (2001) *Reference
Group Theory with Implications for
Information Studies: a Theoretical Essay*,
Florida State University: Tallahassee,
Florida, USA.

Watson, E. (2004) *Reference Group Theory*, [http://WWW.Ciadvertising.Org/student
account/spring_o2/adv382j/hicari/
d-pag](http://WWW.Ciadvertising.Org/studentaccount/spring_o2/adv382j/hicari/d-pag).

Chapman, E.A. and Dawson, E.M. (2000)
"Reference Group Theory with
Implications for Information Studies : A
Theoretical Essay", *Information Research*,
Vol.6, No.3.

Lindlof, Thomas, Bryan C. Taylor (1995)
*Qualitative Communication Research
Methods*, Thousand Oaks: Sage
Publications.

می‌کند و به آغوش خانواده باز می‌گرداند. زن ایلامی به
خاطر همین قناعت و محلی‌گرایی است که در
انتخاب‌های خود در مورد لباس و روابط اجتماعی و
غیره ترجیح می‌دهد که خانواده را نرنجاند و نظر نهایی
آنها را در انتخاب خود دخالت دهد.

منابع

تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*،
تهران: پیام نور.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*،
تهران: سمت.

تهرانی، آشفته. (۱۳۸۰). *جامعه و جامعه‌شناسی*، تهران:
فرهنگ گستر.

ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران
معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات
علمی.

سروستانی، صدیق و همکاران. (۱۳۸۱). «گروه‌های
مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی»،
نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰.

شفرز، برنارد. (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*،
ترجمه: کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.

فرهنگ عمومی، *فصلنامه فرهنگی - اجتماعی*، ش ۳۸،
انتشارات دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.

فلیک، اووه. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، مترجم:
هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)، *نظریه‌های
بنیادی جامعه‌شناسی*، ترجمه فرهنگ ارشاد،
تهران، نشر نی.

کوئن، بروس. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه